**نگاهی به کتاب «منفعت» اثر ریچارد سوئدبرگ**

**نام کتاب:** Interest

**نویسنده:** Richard swedberg

**سال چاپ: 2005**

**نوبت چاپ: اول**

**نشر:** Open University Press

سعدیه صالحی

درس نظریه های انسان شناسی کارشناسی ارشد

در اینجا سعی می کنیم خلاصه ای از یکی از مهمترین کتاب های حوزه انسان شناسی اقتصادی یعنی کتاب «منفعت» اثر ریچارد سوئدبرگ را ارائه دهیم. در حالی که رهیافت غالب در جامعه شناسی اقتصادی بر اهمیت روابط اجتماعی برای فهم بهتر اقتصاد تاکید می کند، استدلال سوئدبرگ این است که ضمن حفظ اهمیت این مطلب، بحث منفعت را نیز باید به طور مساوی به تحلیل وارد کرد و به همان اندازه بدان اهمیت داد. برای مثال نهادها را باید به مثابه منظومه های متمایز منافع و روابط اجتماعی دید. جامعه شناسی اقتصادی که از نقش منافع غفلت ورزد با خطر جزئی پردازی و کوچک شدن روبرو است. سوئد برگ برخلاف برخی از جامعه شناسان که درباره این مفهوم می نویسند تمایل به دفاع از مفهوم منفعت دارد. از دیدگاه سوئدبرگ منفعت را به مثابه مفهومی اصلی در علوم اجتماعی باید جدی گرفت و این مسئله برای جامعه شناسی اقتصادی قطعا لازم الاجرا است.

ریچارد سوئد برگ یکی از اصلی ترین متفکران معاصر جامعه شناسی و انسان شناسی اقتصادی و نویسنده کتاب های مهمی چون اصول جامعه شناسی اقتصادی، راهنمای جامعه شناسی اقتصادی است. وی کتاب «منفعت» را در سال 2005 نوشت، و این مفهوم را در محور تفکرات خود قرار داده است. کتاب وی شامل یک مقدمه و پنج فصل به ترتیب زیر است:

مقدمه

1. منفعت و سنت های مختلف آن
2. منفعت به یک مفهوم علوم اجتماعی تبدیل می شود
3. دیدگاه جامعه شناسان در مورد منفعت
4. منفعت به عنوان فعالیت و قیاس
5. ضمیمه: منفعت به عنوان یک ابزار سیاستگذاری- یک مطالعه موردی

سوئد برگ در مقدمه کتاب می گوید « مفاهیم زیادی وجود دارد که بخشی از واژگان علوم اجتماعی هستند اما تاکنون آن اندازه که سزاور آنهاست مورد بحث قرار نگرفته اند. مفهوم منفعت یکی از این مفاهیم است، و در صفحات پیش رو می کوشم شیوه هایی را که بدان طریق مورد استفاده قرار گرفته، و تلاش های مختلف صورت گرفته برای تعریف آن را شرح دهم. رشته خود من جامعه شناسی است اما سعی کرده ام استفاده از مفهوم منفعت در سایر رشته ها را نیز، بویژه اقتصاد و علوم سیاسی پوشش دهم.

موضوعاتی که از رهگذر بحث از مفهوم منفعت باید پوشش داده شود بی شمارند، و امیدوارم کوشش من در اولویت بندی آنها درست باشد.» (2005: vi).

بعد از مقدمه وارد فصل یک با عنوان «منفعت و سنت های مختلف آن » می شویم. منفعت و سنت های فراوان آن مضمون اصلی فصل یک است. سوئد برگ معتقد است، وقتی که ما شیوه ای را که از آن طریق مفهوم منفعت در طول قرن ها مورد استفاده بوده مورد مداقه قرار می دهیم، غنایی از کاربست های مختلف را شاهدیم، و بسیاری از این ها ممکن است امروزه منبع الهام ما باشد. این فصل مهم است زیرا گره گشای مباحث دیگر است. وی از همان آغاز کتاب می گوید: « یک سوال کلاسیک در علوم اجتماعی این است که «چه چیزی سبب می شود مردم به آن شیوه ای که عمل می کنند، عمل کنند؟» یک جواب به همان اندازه کلاسیک «منافع آنها» است. باتوجه به اهمیت مفهوم منفعت، می توان فرض کرد که بسیار کم در باره معنای آن و اینکه چگونه باید مورد استفاده قرار گیرد بحث شده است، و همچنین وضوح بسیار کمی دارد. با این وجود، مهم نیست، و این مطالعه تا به امروز، کاملترین متن موجود در زبان انگلیسی است. درک دلیل این غفلت آسان نیست، اما شاید به این واقعیت ربط دارد که مفهوم منفعت نقش اساسی در تحلیل رفتار افراد مدت ها پیش از پیدایش علوم اجتماعی مدرن ایفا کرده است، و از این رو بخشی از چیزی است که مسلم پنداشته شده است.

مفهوم منفعت اغلب و به راحتی در شماری از زمینه های مختلف استفاده شده است، از زبان روزمره تا گفتمان های علوم سیاسی و اجتماعی. معنای آن ممکن است بدیهی به نظر برسد و نیاز اندکی داشته باشد به تعریفی فراتر از این گزاره که منفعت یک نیروی مهمی است که رفتار افراد و گروه ها را هدایت و تعیین می کند. همه ما می دانیم که مردم می توانند منفعت طلب[[1]](#footnote-1) باشند؛ یک کشور در سایر بخش های جهان منافعی داشته باشد؛ و گروه های ذینفع بسیاری در حیات سیاسی وجود دارد. این انعطاف پذیری مفهوم منفعت- که می تواند به آسانی مورد استفاده قرار گیرد در زمینه های بسیار مختلف و تحلیل پدیده های بسیار مختلف- همان طور که بحث خواهم کرد یکی از ویژگی های بسیار مثبت آن است.» (2005: 1).

سوئد برگ می گوید یکی از اهدافی که می خواهم با این مطالعه انجام دهم جلب توجه به سوی بسیاری از شیوه های مبتکرانه ای است که در آن مفهوم منفعت توسط جامعه شناسان، اقتصاددانان، اندیشمندان سیاسی، سیاستمداران و غیره مورد استفاده قرار گرفته است. غنای ایده هایی که می توان در بسیاری از سنت هایی که به مفهوم منفعت پرداخته اند، یافت، با این وجود، امروزه بسیار کم مورد قدردانی قرار گرفته است؛ و دلیل اصلی آن این است که مفهوم منفعت، و حتی بیش از آن مفهوم منفعت طلبی، در گفتمان اخیر معنای آن به شدت به یک معنای منفرد تقلیل یافته است، یعنی منفعت طلبی اقتصادی[[2]](#footnote-2). برای اقتصاددانان- و این اقتصاددانان هستند چنین لحنی را بدان داده اند- منفعت با منفعت طلبی یکسان است، و بنابراین چیزی است که می تواند بر اساس یک معیار جهانی، معمولا پول سنجیده شود. فرقی نمی کند که کنشگران آیا متاثر از به اصطلاح نوع دوستی باشند یا اینکه مطمئن نیستند آیا می توانند منافع خودشان را تحقق بخشند؛ نوع دوستی را می تواند از لحاظ منفعت طلبی، و عدم اطمینان را از لحاظ احتمال و ریسک در نظر گرفت.

«به همین دلیل و پاره ای دلایل دیگر همانگونه گه می بینم، درست نیست که از مفهوم منفعت اینگونه صحبت کنیم که انگار تنها و یک و فقط یک معنی دارد که می تواند به نحوی سایر استفاده های آن را بگیریم و سپس برای خواننده در شکل یک تعریف هوشمندانه ارائه اش کنیم. مفهوم منفعت در عوض باید به عنوان یک مفهوم به طور غیر معمولی غنی و گسترده درک شود که می تواند جهات مختلفی داشته باشد، همانطور که استفاده های بسیار از آن توسط لا روشفوکو، دیوید هیوم، آدام اسمیت و غیره این را نشان داده است. آلبرت او هیرشمن[[3]](#footnote-3) در احساسات و منافع[[4]](#footnote-4) می نویسد که از دهه 1600 به بعد می توان از منفعت به مثابه «پارادایمی جدید» یاد کرد که در آن انواع بسیاری از مشکلات و تحلیل ها جایگاه خویش را یافتند من با هیرشمن موافقم که ظهور مفهوم منفعت در غرب به واقع نشان از تولد یک دیدگاه جدید دارد. همچنین مفهومی است که معانی بیشتری از عمده مفاهمی علوم اجتماعی داشته است و از این رو است که اجازه داده است تا از طرف نظریه هایی مورد استفاده قرار گیرد که در غیر از این صورت به خوبی با یکدیگر همخوانی ندارند. برای مثال، مارکس و همچنین وبر از مفهوم منفعت استفاده می کنند- وبری که از بسیاری جهات در تقابل با مارکس است، و غیره» (2005: 3).

ممکن است به خوبی بتوان هم از منفعت به منزله پارادایمی جدید یا دیدگاهی جدید و نیز کاربست های فراوان آن در نظریه های مختلف یاد کرد. این کتاب در وهله نخست به اکتشاف تعدد کاربست هایی می پردازد که مفهوم منفعت در طی قرن ها داشته است، این اما همچنین می کوشد حدود و ثغور معانی کلی آن را تا حدی که مقدور است مشخص کند.

فصل 2 به این موضوع اختصاص یافته است که چگونه مفهوم منفعت در طی قرن نوزدهم به آرامی به یک مفهوم علوم اجتماعی تغییر یافت؛ و مسئله کلیدی در اینجا این است که در این فرایند چه چیزی جدیدی مطرح شد و چه چیزی از دست رفت. فصل 3 داستان مسیری را شرح می دهد که جامعه شناسان تلاش کرده اند مفهوم منفعت را در نظریه هایشان تلفیق کنند، از کلاسیک ها تا متفکرین امروزی؛ و بار دیگر باید گفت، کوششی به عمل آمده تا مطالب مفید از مطالب بی اهمیت تمیز داده شود. در فصل 4 به شرح شیوه ای می پردازد که مفهوم منفعت در علوم سیاسی و اقتصاد مدرن مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین رویکرد جدیدی را در مورد مفهوم منفعت ارائه می کند: اینکه منفعت به چه معنا است و چگونه باید مورد استفاده قرار گیرد. سوئدبرگ تلاش کرده است مسئله منفعت را از یک دیدگاه به طور کاملا متفاوت بررسی کند، و خواننده در مورد ارزش آن قضاوت خواهند کرد.

کتاب با یک ضمیمه مربوط به مسئله ای خاتمه می یابد که در ادبیات موجود مورد بحث قرار نگرفته است، یعنی منفعت به عنوان یک مفهوم سیاست گذاری. به دلیل عدم وجود مطلبی در باب این موضوع، تصمیم سوئد برگ تصمیم گرفته است آن را در قالب یک مطالعه موردی بررسی قرار کند. موردی که انتخاب کرده است قانون تعارض منافع و نقش آن در رسوایی های شرکتی است که اخیرا در ایالات متحده اتفاق افتاده است.

به طور کلی می توان گفت که سوئدبرگ در سراسر کتاب می کوشد نشان دهد که چرا مفهوم منفعت به ویژه آن طور که توسط هیوم، اسمیت و توکویل و وبر به کار می رود، هنوز مفهوم مفیدی است. دلیل اینکه چرا مفهوم منفعت از پویایی متمایزی بهره می برد این است که اساسا منفعت مردم را وادار به کنش می کند. همچنین این مفهوم نیروی را عرضه می کند که مردم را بیدار کرده و در سراسر روز به کارهای سخت وادار می کند و در ترکیب با منافع دیگران نیرویی را ایجاد می کند که کوه را به حرکت درآورده و جوامع جدید درست می کند. در عین حال منفعت به تحلیل تضاد کمک می کند که در موقع برخورد منافع رخ می دهد. این تضاد می تواند در ذهن یک شخص، در میان افراد، گروه ها و جوامع نیز رخ دهد. به طور خلاصه مفهوم منفعت ابزار مناسبی برای تحلیل است.

**منبع**

* Richard swedberg (2005), Interest. Open University Press; 1 edition.

1. self-interested [↑](#footnote-ref-1)
2. economic self-interest [↑](#footnote-ref-2)
3. Albert O. Hirschman [↑](#footnote-ref-3)
4. The Passions and the Interests [↑](#footnote-ref-4)